

غزل شماره ۲۹

مار از خیالِ تو چه پروایِ شراب است؟
خم کو سر خود گیر، که خُنْخَنه خراب است

گر خمر بهشت است بریزید که بی دوست
هر شربتِ عَذِیم که دهی، عینِ عذاب است

افسوس که شد دلبر و دیده گریان
تحریر خیالِ خطِ او نقشِ بر آب است

بیدار شو ای دیده که ایمن توان بود
زین سیلِ دمام که در این مترلِ خواب است

معتوق عیان می‌گذرد بر تو، ولیکن
اغیار همی‌پسند از آن بسته نقاب است

گل بر رخِ رنگین تو تا لطفِ عرق دید
در آتشِ شوق از غمِ دل، غرقِ کلاب است

سبز است در و دشتِ میا تا نگذاریم
دست از سرِ آبی که جهان جمله سراب است

در کُنجِ دِباغِمْ مطلبِ جای نصیحت
کاین گوشه پر از زمزمه چنک و رباب است

حافظ چه شد از عاشق و رند است و نظرباز
بس طُورِ عجب لازمِ ایامِ شباب است

تفسیر فال

حوادث و رویدادهای متعددی در آینده برای تو رخ خواهد داد، لذا ضروری است که همواره بیدار و هوشیار باشی. برای دستیابی به خوشبختی و آرامش در آینده، نباید اجازه دهی که روزگار امروزت را خراب کنی و به افکار منفی دچار شوی. ممکن است از این که برخی افراد همه چیز دارند و تو در شرایط مطلوبی نیستی، ناراحت شوی؛ اما باید بدانی که تو دارای ارزشهایی هستی که دیگران از داشتن آنها محروم اند. این ارزشها می تواند شامل



استعدادها، مهارت‌ها یا ویژگی‌های منحصر به فرد شخصیت تو باشد. دنیا همانند سرابی است که در آن زیبایی‌ها تنها لحظه‌ای پایدارند؛ حتی سبزه‌ها، گل‌ها و دشت‌های زیبا نیز فقط برای مدت کوتاهی وجود دارند. بنابراین، تکیه بر این عالم فانی نکن و سعی کن به چیزهایی اتکا کنی که پایدارتر هستند. با نگاهی عمیق‌تر به زندگی و هدف‌های خود، می‌توانی مسیر صحیح را پیدا کنی و از تلخی‌های زودگذر دور بمانی.

به کوشش : [پارسی دی](#)

منبع تفسیرها: [آلامتو](#) و [سلام دنیا](#)